

به نام خالق احترام

پیشگفتار

در دوره ای از تاریخ زندگی می کنیم که احترام در میان جوامع ما مهجور شده و به سختی به همکدیگر احترام می گذاریم یا در صورت احترام گذاشتن مرز آن را با تملق و چاپلوسی جابه جا می کنیم.

همانطور که هر حرفه ای و هر علمی اصولی دارد، زندگی در جامعه و معاشرت نیز اصولی دارد.

متأسفانه در میان دروسی که در مدارس و دانشگاه ها می خوانیم هیچکدام به طور مفصل، مشخص و تخصصی به اصول زندگی در جامعه نپرداخته اند.

همانطور که یک پزشک قبل از پزشک شدن نیاز دارد اصول پزشکی را بیاموزد و یا یک مهندس با اصول و مبانی مهندسی آشنا می شود و آنها را می آموزد و یا حسابداری که باید اصول حسابداری و مسائل مالی را فرا گیرد؛ هر انسان نیز به فراگیری اصول زندگی و معاشرت در جوامع نیاز دارد.

اصول احترام یکی از شاخه های اصول زندگی و معاشرت در جوامع است که در صورت رعایت آن بسیاری از مشکلات زندگی انسانها حل خواهد شد و زندگی در کنار هم قابل تحمل تر و حتی لذت بخش تر خواهد شد.

من به عنوان عضو کوچکی از جامعه احساس مسئولیت کردم و نیاز جامعه به یک مجموعه مدون از اصول احترام را احساس و با نوشتن این کتاب برای تحقق رویای جهانی پر از احترام، صلح و آرامش تلاش کردم.

لازم به ذکر است نوشتن این اصول به معنای اجرای صد در صدی آنها توسط من در جامعه نیست اما بنده تمام سعی خود را می کنم که به اجرای آنها و احترام گذاشتن به افراد مختلف جامعه در موقعیت های مختلف پایبند باشم.

به هر حال این کتاب ابزاری برای اجبار دیگران به اجرای اصول آن نیست و خود نیز از مخاطبان این اصول هستم.

در آخر از زحمات پدر و مادر عزیزم تشکر میکنم و برای جهان آرزوی صلح، آرامش و احترام متقابل دارم.

مهدی داودزاده

مقدمه

از آن جایی که این اثر در مورد احترام و اصول آن است؛ بیاپید قبل از شروع اصول احترام؛ با کلمه ی احترام، ریشه ی آن، معنا و مفهوم، تعریف و حتی تاریخچه ی آن آشنا شویم.

احترام در لغت نامه ی دهخدا به معنای حرمت داشتن، بزرگ داشتن، بزرگداشت، پاس، توقیر و حرمت آمده است. احترام مصدر باب افتعال از ریشه ی {ح ر م} و به معنای حرمت نگه داشتن است؛ حرمت نیز به معنای آنچه که شکستن آن ناروا باشد آمده است.

در ادامه انواع تعاریف احترام را به صورت خلاصه آورده ام که هر کدام در جای خود درست و به جا، علمی و صحیح است: احترام به معنای احساس ارزش برای کسی است و محترم بودن صفتی اکتسابی است نه فطری و ذاتی.

احترام، احساسی مثبت از ارج نهادن و اعتنا به فرد یا شیء است که فرد احترام گذارنده آن را سزاوار احترام می شمارد. در واقع فردی که به شخص یا چیزی احترام میگذارد، به آن شخص یا چیز توجه می کند و برای آن ارزش قائل است.

احترام در اصل به معنای ارزش قائل شدن و توجه کردن است.

احترام در اصطلاح عرف، به معنای تعظیم، گرامی داشتن و بزرگداشت است.

از دیدگاه قرآن، منشأ اصلی احترام به خداوند باز می گردد که آن را در نهاد برخی موجودات قرار داده و به واسطه ی آن به موجودات اعتبار بخشیده است.

از دیدگاه بزرگان علم و تاریخ و رهبران دنیا هم احترام بسیار مهم و حیاتی است.

آنها بر این باورند که احترام ربطی به جایگاه اجتماعی فرد ندارد و همه شایسته ی آن هستند. ریچارد برانسون در مورد احترام می گوید: احترام یعنی اینکه چگونه با همه رفتار کنی نه فقط کسانی را که میخواهی تحت تأثیر قرار دهی.

دالایی لاما هم در جمله ای پند آموز از احترام می گوید: به سه قانون پایبند باش؛ به خود احترام بگذار، به دیگران احترام بگذار و مسئولیت تمام اعمال خود را بپذیر.

از این جملات؛ هم معنا و هم اهمیت احترام را در می یابیم.

این پیش فصل را با یک جمله زیبا در وصف احترام به پایان می رسانم:

محبت مکملی دارد به نام احترام؛ این دو کنار هم معجونی است که اثر دیگری را ضمانت می کند.

موفق و محترم باشید.

فصل اول

اصول احترام: اصل اول

یکی از اصول احترام، احترام به خود است؛ اگر ما به خودمان احترام نگذاریم، چگونه از دیگران انتظار داریم که به ما احترام بگذارند.

احترام به خود شامل احترام به تک تک اعضای بدن و همچنین احترام به روح و روان خود انسان نیز می شود.

اگر ما به خود احترام بگذاریم، به کل کائنات احترام گذاشته ایم؛ زیرا خود را به عنوان عضو تاثیرگذار و مهمی از کائنات قبول داریم.

احترام به خود زمینه ساز ایجاد اعتماد به نفس در اشخاص است و داشتن اعتماد به نفس پیش نیاز همه ی موفقیت هاست. موضوع اعتماد به نفس که در رشته ی روانشناسی به آن پرداخته می شود، در ارتباطات جمعی انسان ها و اعمال و رفتار آنها و انتخاب های افراد تاثیر گذار است و البته تعریفی دقیق دارد که بسیار از افراد آن را با خودپسندی و یا بی ادبی و یا غرور اشتباه میگیرند.

اعتماد به نفس به معنای داشتن اطمینان قلبی به توانایی های واقعی و قابل اجرای خود است؛ در واقع اعتماد به نفس احترام به خود و توانایی های واقعی و قابل اجرای خود انسان است.

اعتماد به نفس یعنی احترام به اهداف متعالی و واقع بینانه و اطمینان و استفاده از توانایی های قابل اجرای فرد است؛ پس ریشه ی اعتماد به نفس و به تبع آن رسیدن به اهداف و موفقیت به احترام به خود برمی گردد.

این نکته به معنای آن نیست که جنبه های منفی شخصیتی و رفتاری و مهارتی خود را نبینیم و از آنها بگذریم و به فکر اصلاح آنها نباشیم بلکه به معنای این است که از توانایی های قابل دسترس و واقعی خود برای ایجاد موفقیت و رسیدن به هدف استفاده کنیم و خود و توانایی هایمان را دست کم نگیریم.

نداشتن اعتماد به نفس و دست کم گرفتن خود و توانایی هایمان به معنای بی احترامی به خود است و این بی احترامی به خود یعنی به دیگران مجوز داده ایم که به ما بی احترامی کنند.

دوستان؛ بی احترامی و نداشتن اعتماد به نفس را با تواضع و فروتنی اشتباه نگیرید؛ زیرا این دو مقوله کاملاً با هم متفاوت اند ولی مرز بسیار باریکی بین آن ها وجود دارد؛ همانطور که داشتن غرور کاذب، با اعتماد به نفس، بسیار متفاوت است ولی مفهوم نزدیکی با هم دارند.

احترام به خود شامل احترام به خداوند متعال که ما را آفریده، احترام به اهداف و الایمان، احترام به نقشمان در جامعه، توجه به سلامتی و احترام به جسم و روح خودمان می شود.

به امید این که احترام به خود باعث درک مزایای احترام شود و احترام را در همه ی جامعه ی ما پراکنده کند و جهان سرشار از احترام، آرامش، شادی و صلح شود.

در فصل دوم همراه ما باشید.

فصل دوم

اصول احترام: اصل دوم

از دیگر اصول احترام، احترام درونی و احترام به عقاید طرف مقابل است.

انسان ها باید به درون همدیگر و به افکار و عقاید هم احترام بگذارند

وگرنه احترام زبانی را هر شخصی میتواند به جای آورد.

احترام باید از درون برخیزد و شخص قلباً به طرف مقابل خود احترام بگذارد.

اگر احترام زبانی به جای آورده شود ولی در درون به عقاید فرد مقابل احترام گذاشته نشود یک دورویی و ریا در فرد نهادینه می شود.

یکی از مهمترین احترام ها این است که انسان با خود رو راست باشد و اگر میخواهد به کسی احترام بگذارد هم در درون و هم در بیرون احترام طرف مقابل را به جای آورد.

همچنین در این اصل ؛ احترام به عقاید فرد مقابل بسیار مهم است، زیرا عقاید انسانهاست که عملکرد آنها را در جامعه ایجاد میکند؛ وقتی شما به عقاید و ارزش های طرف مقابل احترام بگذارید، به اعمال او در جامعه نیز احترام گذاشته اید.

عقاید موجب می شوند فرد در راستای آنها تصمیم بگیرد و دست به عمل بزند؛ در واقع احترام به عقاید واجب است، زیرا احترام به تصمیمی است که

طرف مقابل برای اتخاذ آن با امیال و هوس های خود مدت زیادی کلنجار رفته است.

البته احترام به عقاید طرف مقابل به معنای پذیرفتن بی چون و چرای آنها نیست بلکه به معنای آن است که طرف مقابلتان را یک فرد مستقل با افکاری مستقل می دانید.

سوال پیش می آید که اگر عقاید طرف مقابلمان اشتباه بود هم باید به او احترام بگذاریم؟ در صورت تضاد بین افکار و عقایدمان با شخص مقابل چه رفتاری باید نشان دهیم؟

در پاسخ به این سوال باید بگوییم که اگر از طرز فکر طرف مقابل خوشتان نمی آید بی دلیل آن را اشتباه ندانید ولی اگر با دلیل، تحقیق و علم کافی عقاید او را اشتباه یافتید؛ بدون تمسخر و توهین و بی ادبی با او بحث کرده و سعی کنید او را متقاعد سازید که افکار و عقایدش اشتباه و حتی به ضرر و زیان اوست.

دقت کنید بحث کردن هم حدی دارد و اگر طرف مقابل همچنان اصرار بر عقاید خود داشت بیش از حد اصرار نکنید.

در بحث با او فقط گوینده نباشید بلکه سعی کنید شنونده ی خوبی باشید و افکار و عقایدی که میگوید را بشنوید و دلایلی که برای درستی افکارش عنوان میکند را گوش دهید؛ وقتی او دلایل خود را برای شما تشریح میکند با پیش انگاره به حرف ها و دلایلش گوش ندهید و در ذهن خود گفته ها و دلایل او را قبل از گوش دادن کامل، اشتباه نپندارید.

اگر گفتگو با او سودی نداشت، بر حسب شرایط و نوع عقاید راه‌هایی پیش روی شماست؛ اگر عقاید او به شما چندان مرتبط نیستند و به شما آسیب نمی‌رسانند و روی شما تاثیر منفی ندارند و در مورد مسائل بنیادی و بسیار مهم نیستند می‌توانید با او کنار بیایید و هر کدام با افکار متفاوت خود در سایه احترام باهم ارتباط داشته باشید و باهم معاشرت کنید.

به عنوان مثال؛ دو نفر باهم بر سر تیم مورد علاقه‌ی فوتبال اختلاف نظر و عقیده دارند، آنها می‌توانند در مورد آن باهم صحبت کرده و همدیگر را متقاعد سازند اما اگر هیچ‌یک از آن دو تن متقاعد نشدند باید در سایه احترام باهم معاشرت کنند و این اختلاف نظر نباید در روابط آنها تاثیر چندان داشته باشد؛ زیرا موضوع مورد اختلاف آنها مورد حیاتی، بنیادی و آنچنان مهمی نبوده است و آنها باید در سایه‌ی احترام و به دور از توهین باهم در مورد این موضوع و مسائل دیگر صحبت کنند و همچنان باهم معاشرت کنند و باهم در ارتباط باشند.

اما اگر موضوع مورد اختلاف موضوعی بسیار مهم، بنیادی و حیاتی باشد و افکار اشتباه طرف مقابل ممکن است در شما تاثیر منفی بگذارد در صورت گفتگو و متقاعد نشدن طرف مقابل، شما برای حفظ افکار صحیح و درست خود و برای حفظ عقیده‌ی صحیح خود باید در ارتباط با شخص مقابل تجدید نظر کرده و در صورت لزوم ارتباط با او را کم و یا قطع کنید؛ اما به یاد داشته باشید که باید از هرگونه توهین و تمسخر چه در حضور او و چه در غیاب او خودداری کنید.

ما اینگونه احترام به عقاید را در قرآن هم می بینیم که خداوند متعال می فرماید: "به معبود کسانی که غیر از خدا را میخوانند دشنام ندهید مبادا آنها نیز از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند. اینچنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه ی آنان به سوی پروردگارشان است و آنها را از آنچه عمل میکردند آگاه میسازد." {سوره ی انعام آیه ی ۱۰۸}

در این آیه خداوند توهین و دشنام دادن به مشرکان که در موضوع بسیار مهم توحید با مسلمانان اختلاف نظر دارند را منع کرده است ولی در آیات دیگر قرآن در مورد امر به معروف و راهنمایی آنها و نهی از منکر و آگاه سازی آنها از اشتباهاتشان توصیه هایی به اهل ایمان کرده است.

این موضوع از اهمیت احترام به عقاید افراد و حد و حدود این احترام حکایت دارد.

امید است این اصل از احترام که مرز های باریکی دارد را رعایت کنیم تا جهانی زیبا و پر از احترام به افکار و به تبع آن پر از صلح و آرامش داشته باشیم. فصل دوم و اصل دوم به پایان رسید در فصل سوم به همراه اصل دوم منتظرتان هستم .

فصل سوم

اصول احترام: اصل سوم

یکی دیگر از اصول احترام، احترام به انتخاب ها و تصمیم های طرف مقابل است. اگر طرف مقابلتان تصمیمی گرفته، شما میتوانید او را راهنمایی کنید و به او مشاوره بدهید و به اصطلاح، امر به معروف و نهی از منکر انجام دهید ولی نمی توانید او را مجبور به ترک کاری که تصمیمش را گرفته است کنید و تصمیمش را به اجبار تغییر دهید.

اجبار یکی از دشمنان احترام است.

خداوند متعال در سوره ی بقره آیه «۲۵۶» میفرماید: "در دین هیچ اجباری نیست."

در این آیه ی شریفه خداوند متعال به قدرت اختیار انسان ها که خود آن را به آنان عطا کرده احترام گذاشته و محترمانه آنها را به دین و راه درست دعوت کرده است؛ دقت کنید که خداوند هیچ اجباری تحمیل نکرده و به انسانها گوشزد کرده که هیچ اجباری در دین نیست و انسانها با اختیار خود تصمیم می گیرند و در ادامه ی این آیه از مزایای راه راست و دین مبین اسلام سخن به میان آورده و از خطرات کفر و گمراهی و شرک نیز به انسان ها هشدار داده است و انسان باید با دیدن این خطرات گمراهی و مزایای هدایت، خود با عقل و اختیار خود تصمیم درست را بگیرد.

در کلام خداوند متعال احترام به مخلوقات، مخصوصاً انسان لبریز است؛ چرا که خداوند متعال مخلوقات خود را نشانه‌ی عظمت خود عنوان میکند.

در انتخاب موضوعات پیش‌پا افتاده‌ای مانند انتخاب شبکه‌ی تلویزیونی برای تماشا کردن، رفتن به فلان جا برای تفریح و موضوعاتی شبیه به اینها، شما نمیتوانید کسی را مجبور به کاری کنید و در مقابل هم نباید نظرات و تصمیم‌های کسی را نادیده بگیرید. در انتخاب هایتان باهم مشورت کنید و سعی کنید باهم تصمیم بگیرید و همدیگر را نادیده نگیرید؛ این مشورت و تصمیم‌گیری جمعی نشانه‌ی احترام متقابل است.

در مورد مشورت و احترام متقابل در این موضوع هم در دین مبین اسلام آیات و احادیثی آمده و نقل شده‌اند.

خداوند متعال در آیه ۳۸ سوره‌ی شوری میفرماید: "و آنان که امر خدایشان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزیشان کردیم به فقیران انفاق میکنند"

در این آیه‌ی شریفه خداوند متعال مشورت کردن را یک مزیت برای مومنان میدانند و آنها را به مشورت با دیگران دعوت می‌کند.

اما اگر کسی بنا به شرایط، تصمیمی فردی گرفت و کاری به نظر دیگران نداشت و یا اساساً موضوع مورد نظرش قابل شور نبود و میخواست تنها و انفرادی کار خود را پیش ببرد؛ نباید دیگران نظر و تصمیم خود را به او تحمیل کنند.

در واقع مشورت دادن به کسی منوط بر درخواست مشورت از طرف مقابل است و گرنه اگر خودسرانه با او صحبت کرده و او را راهنمایی و نصیحت کنید؛ از نظر طرف مقابل این رفتار شما دخالت تلقی میشود.

احترام به تصمیم ها و انتخاب های طرف مقابل یک نوع احترام به حریم خصوصی او نیز هست. به امید روزی که همه به هم احترام متقابل بگذاریم. در فصل چهارم اصل چهارم را خواهیم گفت.

فصل چهارم

اصول احترام: اصل چهارم

یکی دیگر از اصول احترام این است که به خانواده، نام، محل تولد، اقوام، شکل و قیافه و حتی نژاد طرف مقابل احترام بگذاریم؛ زیرا خود شخص درمورد آنها انتخابی نداشته و همه ی این موارد بدون دخالت وی در زندگی به وجود آمده اند.

احترام به این موارد ذکرشده علاوه بر احترام به فرد مقابل، احترام به خداوند و تقدیر و حکمت او نیز هست.

بسیاری از ما این حقیقت را فراموش کرده ایم که نژاد، قیافه، خانواده، قد بلند، صورت زیبا و اهل فلان جا بودن را خودمان به دست نیاورده ایم و نه باید به آن افتخار کنیم و نه باید به خاطر اینگونه مسائل به کسی توهین کنیم یا با مسخره کردن، کسی را از خود برنجانیم.

باید به این موضوع توجه کنیم که همه ی ما ساخته از خاکیم و در نهایت هر جور که باشیم همانگونه نیز به خاک سپرده خواهیم شد.

این به معنای تلاش نکردن و به موفقیت نرسیدن و بی حرکت ماندن نیست بلکه باید در راستای تعالی بخشیدن به خود گام برداریم ولی افتخار کردن به چیزی که ساخته ی خود ما و دستاورد خود ما نیست اشتباهی بزرگ است.

نقطه ی مقابل این موضوع هم این است که کسی را به خاطر نداشتن چیزهایی که خود در آنها تاثیری نداشته است مسخره نکنیم و یا خدای نکرده توهین و بی احترامی نکنیم.

متأسفانه نژادپرستی که امروزه در بسیاری از جوامع میبینیم، نمونه بارز و شدید بی احترامی به انسانیت است و حتی این حرکت زشت و ناپسند ریشه در شرک دارد و ناسپاسی خداوند متعال نیز هست.

از اینگونه نژادپرستی و بی احترامی ها در جامعه ی ایرانی نیز دیده میشود. اگر شما از آن دسته افراد هستید که چون در شهر خاصی به دنیا آمده یا جزء نژاد خاصی هستید به خود افتخار میکنید و دیگر جوامع و شهر ها و نژاد ها را از خود پایین تر میدانید نه تنها به خودتان بی احترامی کرده اید بلکه به همه ی اعضای جامعه در طول تاریخ و حتی به آفرینش خداوند متعال نیز بی احترامی و توهین کرده اید.

همین مسئله ی نژاد پرستی که گفتیم نمونه ی شدید بی احترامی به همه ارکان بشریت و جهان هستی است؛ خود به بلایی خانمان سوز میان بشریت تبدیل شده و سبب بسیاری از جنگ ها، خونریزی ها و کشتار ها شده است. در اینگونه معضلات و بی احترامی ها غرور کورکورانه ای نقش دارد که همه جامعه از جمله خود شخص را به دردسر می اندازد؛ غرور بیش از حد و نابه جایی که موجب قدرت کاذب؛ آرزوها و امیال زشت و نابودگر میشود و دیگر کسی را جز خود نمیبیند.

نمونه‌ی بسیار بزرگ این معضل اجتماعی را در جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ‌های بزرگ دیگر تاریخ دیده‌ایم و شنیده‌ایم.

زیرا؛ رهبران دنیا خود و خصوصیات نژادی خود را برتر دانستند و دیگر نژادها و کشورهای دنیا را پست شمردند و به خاطر غرور کاذب و بیش از حدشان، امیال غیرمتعارف و ناپسند به سرشان زد و با راه اندازی جنگی بزرگ، هم به خودشان بی‌احترامی کردند، هم اهداف متعالی بشر را زیر سوال بردند و هم باعث کشتار عظیمی در سراسر دنیا شدند.

این معضل در هر غلظتی خطرناک و فاجعه‌آفرین است؛ حتی وقتی که در میان دوستان نشست‌اید و از نژاد خود تعریف میکنید و دیگر نژادها را پایین‌تر از خود میدانید، در حال دامن زدن به یک فاجعه‌ی بشری هستید.

وقتی از زیبایی صورت خود بسیار خوشحال هستید و آن را یک دستاورد بزرگ میدانید و بقیه را مسخره میکنید باز هم در حال بی‌احترامی و ظلم به خودتان و دیگر اعضای جامعه هستید.

اساساً افتخار کردن به چیزی که خودتان به دست نیآورده‌اید و در به وجود آوردن یا از بین بردن آن نقشی نداشته و ندارید؛ یک بی‌احترامی بزرگ است که عواقب خوبی ندارد و بسیاری از افکار و رفتارهای خصمانه را به وجود می‌آورد که کمترین آنها ایجاد حس حسادت و نفرت است.

پس به خاطر چیزی که در آن حق انتخابی نداشته یا نداریم نه افتخار کنیم و نه به کسی توهین کنیم و یا کسی را مسخره کنیم. به امید جهانی عاری از بی‌احترامی و خشونت.

فصل پنجم

اصول احترام؛ اصل پنجم

یکی دیگر از اصول احترام؛ احترام به حریم خصوصی طرف مقابل است. اگر به کسی احترام می‌گذارید در زندگیش دخالت نکنید، از رازهای مگویش پرده برندارید و تلاش نکنید که رازهایش را بفهمید.

حریم خصوصی یک چارچوب انفرادی برای افراد است و هر فردی نیاز دارد در درون خود یک جای خلوت داشته باشد و چیزهایی را به کسی نگوید و فقط خودش از آنها خبر داشته باشد؛ وقتی شما در تلاش هستید که از آن‌ها را کشف کنید یا از هر طریقی از او و زندگیش سردر بیاورید، در حال بی‌احترامی به طرف مقابلتان هستید.

امروزه احترام به حریم خصوصی در فضای مجازی بسیار کم‌رنگ شده و در فضای واقعی هم در حال رنگ باختن است.

البته انسان‌ها باید با مدیریت رفتار و اعمال خود، حریم خصوصی برای خود قائل باشند که دیگران هم به آن احترام بگذارند؛ اگر شخصی برای خود حریم خصوصی قائل نشود نباید از دیگران انتظار داشته باشد که به حریم خصوصیش احترام بگذارند؛ زیرا اساساً باید یک حریم خصوصی وجود داشته باشد که کسی بخواهد به آن احترام بگذارد.

در واقع اگر به خود و حریم خصوصی خود حساس باشید و به آن احترام بگذارید، دیگران هم خود را موظف به احترام به شما و حریم خصوصیتان می‌دانند.

اگر میخواهید افراد جامعه به حریم خصوصی شما احترام بگذارند باید شما هم به طور متقابل به حریم خصوصی دیگر افراد جامعه احترام بگذارید؛ در این صورت حس اطمینان و آرامش در جامعه بالا میرود و همه به حریم خصوصی یکدیگر احترام می‌گذارند و نگرانی و استرس در جامعه کاهش می‌یابد.

در این مورد ما باید به سخن پیشوای متقیان علی علیه السلام توجه کنیم که در حدیثی مشهور فرمودند: "آنچه را که برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند."

اگر میخواهیم حریم خصوصیمان حفظ شود حریم خصوصی دیگران را رعایت کنیم؛ اگر احترام میخواهیم پس باید به دیگران احترام بگذاریم. اگر همین یک جمله از امیرالمومنین در جامعه‌ی ما اجرا می‌شد اکنون بسیاری از مشکلات ما در جامعه حل شده بود.

نکته‌ی دیگر در مورد حریم خصوصی اینکه باید حواشی خود در کار و زندگی را کم کنیم و بیشتر به اصل ماجرا بپردازیم؛ زیرا حواشی، جذب کننده‌ی انسان‌های کنجکاو است و انسان‌های کنجکاو معمولاً دشمن حریم خصوصی افرادند؛ ما در این مورد مسئولیم که دیگران را نسبت به خود کنجکاو نکنیم

تا هم حریم خصوصی خودمان حفظ شود و هم فرهنگ احترام به حریم
خصوصی را در جامعه پررنگ کنیم.

به امید جهانی بدون ترس، استرس و بی احترامی
در فصل ششم با ما همراه باشید.

فصل ششم

اصول احترام؛ اصل ششم

احترام به سلايق گوناگون هم از ساده ترين اصول احترام است. هر كسى چون شخصيت واحد و مجزايي دارد؛ خودش هم تصميم ميگيرد كه از چه چيزي خوشش بيايد و چه چيزي چندان دلپذيرش نباشد. احترام به نوع سليقه ي طرف مقابل و انتخاب هاش از ساده ترين ارکان زندگي اجتماعي است ولي در بسياري از جوامع هنوز به طور كامل انجام نمي شود.

به عنوان مثال؛ احترام به تيم فوتبال مورد علاقه طرف مقابل يا احترام به نوع موسيقي كه گوش ميدهد يا نوع ورزشي كه دوست دارد، احترام به چيدمان منزلش، احترام به مرد يا زن مورد علاقه اش كه براي زندگي انتخاب کرده است؛ همه ي اين ها احترام گذاشتن به سلايق طرف مقابل است.

احترام به سليقه منكر مشورت و گفتگو و بحث و نقد كردن نمي شود اما بايد چارچوب نقد و بحث و گفتگو و مشورت رعايت شود تا از حد احترام عبور نكند و خدائي نكرده به دخالت، بي احترامی و توهين تبديل نشود.

احترام به سليقه در موارد كلاني چون اقتصاد، سياست، مذهب و روابط بين المللي نيز بسيار مهم است و بايد رعايت شود.

اگر سليقه ي سياسي كسي با ما مخالف بود سعی در تخریب آن با توهين و فحاشی نکنیم و با نقد علمی و آوردن استدلال درست و مناسب طرف مقابل

و دیگر اعضای جامعه را از معایب انتخابشان و مزایای انتخاب های دیگر آگاه کنیم.

در نقد انتخاب ها و سلايق ديگران هميشه منفي نگر نباشيم و انصاف را رعايت کرده و نکات مثبتی که می بینیم را هم بازگو کنیم. ما دلایل خود را بیان کنیم و معایب و محاسن سلايق و انتخاب های گوناگون را عنوان کنیم و ديگر اصرار در تغيير انتخاب ديگران نکنيم و طرف مقابلمان را در رودربايستي قرار ندهيم و او را مجبور به تغيير انتخابش نکنيم. در واقع مانند یک راهنما عمل کنیم راه را برايشان تشریح کنیم و آنها را با افکارشان و نحوه انتخابشان تنها بگذاريم تا آزادانه تصميم خود را بگیرند.

احترام به سلايق گوناگون احترام به آزادی است.

به امید داشتن جهانی آزاد و سرشار از احترام.

در فصل بعد همراه ما باشید.

فصل هفتم

اصول احترام؛ اصل هفتم

احترام به رشته ی تحصیلی و شغل طرف مقابل هم از ارکان احترام است؛ زیرا طرف مقابل با هزار امید و آرزو در رشته ای تحصیل میکند و آینده ای برای خود متصور است و اگر دیگران به رشته ی تحصیلی وی احترام نگذارند، دچار تردید در انتخاب خود میشود.

همچنین در انتخاب رشته ی تحصیلی و به تبع آن شغل باید این نکته را در نظر داشت و به آن توجه کرد که هیچ رشته و شغلی کامل و بی نظیر نیست؛ همه ی رشته ها و شغل ها در یک سطح هستند و این افراد و انسان ها هستند که در آنها به نقطه ی اوج میرسند و در رشته ها بهترین میشوند.

بله؛ هر شغلی در جایگاه خود برای جامعه کارآمد است و نمی توان نقش مشاغل را در جوامع انکار کرد. هر شغلی هم از یک منظر و دیدگاهی سخت، طاقت فرسا و دشوار است و نمی توان گفت فلان شغل از بهمان شغل سخت تر یا راحت تر است.

پس این طرز فکر اشتباه است که فلان رشته ی تحصیلی بهترین رشته است بلکه ما انسان ها باید در هر رشته ای که تحصیل میکنیم بهترین باشیم.

همچنین در احترام به شغل و رشته ی تحصیلی نباید هیچ شغل و رشته ای را آسان و سهل در نظر بگیریم؛ زیرا هر کاری سختی خود را دارد به اندازه ی خود سخت و دشوار است.

نکته ی دیگر اینکه هر شغلی به اندازه ی خود شریف و مهم است و نباید هیچ شغلی را بی اهمیت دانست؛ بسیاری از افراد جامعه مشاغل با درآمد کم را مشاغلی غیر مهم میدانند در حالی که هیچوقت چنین چیزی صحت ندارد و فقط بر اساس ناعدالتی های اجتماعی، تفاوت زمان و نوع کار، درآمد ها با هم متفاوت اند.

آخرین و مهمترین نکته در مورد احترام به شغل و رشته ی تحصیلی این است که در هر رشته و شغلی افرادی هستند که آن شغل را بدنام میکنند و باعث بدبینی مردم عامه در مورد آن شغل میشوند؛ پس بدکاری عده ای را به نام همه افراد آن صنف نگذاریم.

به عنوان مثال؛ اگر یک پزشک جراح در یک بیمارستان رشوه و زیر میزی گرفت تا وقت فلان عمل را جلو تر بیندازد و زودتر عمل کند، نباید بگوییم همه ی پزشکان زیرمیزی میگیرند یا اگر فلان مهندس ساختمان، آپارتمانی را با حداقل ایمنی طراحی کرد و ساخت تا سود بیشتری کند، نگوییم همه ی مهندسان ساختمان اینگونه اند.

این نکته که در هر صنفی افراد نخاله ای پیدا میشود را نباید فراموش کنیم و افراد سود جویی را که در اصناف مختلف کار می کنند را به کل جامعه و آن صنف نسبت ندهیم.

به امید جهانی به دور از فساد و خرابی، ناامیدی و بی احترامی
در فصل هشتم با اصل هشتم احترام از شما پذیرایی میکنم.

فصل هشتم

اصول احترام؛ اصل هشتم

یکی دیگر از اصول احترام، احترام به اعتماد و اطمینان طرف مقابل است. اگر کسی به شما رازی را می گوید یا به شما امانتی می دهد یا به شما اعتماد میکند و با شما وارد یک رابطه میشود یا با شما معامله ای میکند؛ شما باید به اطمینان و اعتماد طرف مقابل احترام بگذارید.

اگر رازی برایتان گفته رازش را برملا نکنید، اگر امانتی نزد شما دارد خیانت در امانت نکنید، اگر وارد رابطه ای با شما شده دروغ نگوئید و به او خیانت نکنید، اگر با شما معامله میکند کلک نزنید و کلاهش را برندارید. اگر همه ی افراد جامعه به اعتماد طرف مقابلشان احترام بگذارند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد.

احترام به اعتماد طرف مقابل در دین اسلام نیز توصیه شده است؛ امام علی علیه السلام فرمودند: "برترین ایمان، امانتداری است"

اهمیت امانتداری و احترام به اعتماد طرف مقابل را در این حدیث شریفه میتوان به وضوح درک کرد؛ چراکه امیرالمومنین علی علیه السلام آن را برترین ایمان دانسته است.

شخص امانتدار هم به امانت دهنده کمک میکند تا مال، دارایی و اشیا ارزشمند او را حفظ کند، هم با نفس اماره و شیطان در جنگ است تا خدای نکرده در امانت خیانت نکند و هم به امانت دهنده احترام میگذارد که مال او

را قبول و نگهداری می کند و صحیح و سالم آن را تحویل می‌دهد؛ فرد امانتدار از اعتبار بالایی بین مردم جامعه برخوردار است.

پیامبر اکرم صلی الله و علیه و اله و سلم در باب امانت داری می‌فرمایند: "اگر کسی تو را امین دانست و امانتی به تو سپرد آن را به او برگردان و اگر کسی به تو خیانت کرد و دغلی کردی کرد تو به او خیانت نکن"

از این حدیث شریفه میتوان اهمیت امانتداری را درک کرد و البته یک نکته مهم در حدیث وجود دارد که در صورت خیانت طرف مقابل، ما نباید خیانت کنیم؛ این به آن معنی است که ما در مبحث احترام، بحث بسیار مهمی به نام احترام متقابل داریم که باید رعایت شود ولی هرگز مجاز به بی‌احترامی متقابل نیستیم.

اگر طرف مقابل به شما اعتماد کرد و شما با خود و در خلوت خود گفتید چه آدم ساده‌ای؛ در آن صورت شما اصلاً انسان محترمی نیستید. اگر از اعتماد طرف مقابلتان سوء استفاده کردید و فکر کردید که چقدر زرنگ هستید اصلاً انسان محترمی نیستید و یک شخصیت پست در درون خود دارید.

احترام به اعتماد و اطمینان طرف مقابل بسیار مهم و حیاتی است؛ زیرا اگر شخصی به شما اعتماد کند و شما به اعتمادش احترام نگذارید و از اعتمادش سوء استفاده کنید؛ او دیگر نه تنها به شما بلکه به دیگر اعضای جامعه اعتماد نخواهد کرد و به همه بدبین خواهد شد.

احترام به اعتماد طرف مقابل باعث کم شدن بدبینی و سوءظن در جامعه خواهد شد و جامعه‌ای کم‌تنش‌تر، آرام‌تر و موفق‌تر خواهیم داشت.

به امید داشتن جامعه ای پر از احترام.

فصل نهم

اصول احترام؛ اصل نهم

یکی از اصول احترام، احترام به حقایق است. اگر حقیقتی بر خلاف میل ما یا به ضرر ما و اطرافیان ماست، به جای پرخاشگری و درگیری با زمین و زمان بهتر است با حقیقت کنار بیاییم و آن را انکار نکنیم.

احترام به حقیقت به انسان کمک میکند که واقع‌گرا باشد و در مواقع ضروری تصمیم درست تری بگیرد. حقیقت با عقل و منطق میانه‌ی خوبی دارد ولی با احساسات سر‌ناسازگاری دارد؛ به همین دلیل انسانی که به حقیقت و اتفاقات حقیقی جهان احترام میگذارد و با آنها کنار می‌آید و از این حقایق برای پیشرفت خود استفاده میکند، عاقل‌تر است.

البته این موضوع به این معنا نیست که تلاشی انجام ندهیم و برای تغییر زندگی‌مان و کشف حقایق تازه‌تر و گذر از چالش‌های زندگی هیچ زحمتی نکشیم ولی اگر با همه‌ی تلاش ما اتفاقی بر خلاف میلمان افتاد باید با این اتفاق افتاده کنار بیاییم و این حقیقت را بپذیریم و آن را به یک فرصت برای پیشرفت تبدیل کنیم؛ به عبارت دیگر از رویداد‌های غیر قابل تغییر زندگی‌مان راهی برای موفقیت بیشتر باز کنیم؛ در این موارد طرز فکر و دیدگاه انسان بسیار یاری‌رسان است.

به جای آه و ناله و کتمان حقایق و جنگ با حقیقت‌های اثبات‌شده سعی کنیم از درون آنها یک موضوع جدید و امیدوارکننده بیابیم.

متاسفانه هنوز هم در برخی جوامع بشری، حقایق علمی را کتمان میکنند و از خرافات، توهمات و شایعات پیروی میکنند و حتی با حقایق علمی سرستیز و جنگ دارند.

خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر اکرم و ائمه ی اطهار نیز در احادیثشان به موضوع احترام به علم و حقایق جهان اشاره کرده اند و حتی توصیه کرده اند که در مورد آنها بیندیشیم و پیگیر و دنبال کننده ی علم و حقیقت باشیم. امام علی علیه السلام میفرماید: "هر کس حق طلبی را سرلوحه کارهایش قرار دهد؛ سختی ها برایش آسان و دور برایش نزدیک میشود."

از این حدیث شریفه میتوانیم اهمیت حقیقت و حق طلبی را درک کنیم. احترام به حقیقت در معنای دیگر خود میتواند باعث گسترش عدالت شود؛ زیرا اگر به حقیقتی احترام گذارده شود و آن را کتمان نکنند هیچ کس در جامعه متضرر نخواهد شد؛ احترام به حقایق در قوه ی قضاییه و در بین حکام باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

در این فصل سه معنای متفاوت احترام به حقیقت مورد بحث قرار گرفت؛ که اولین آنها دارای معنای احترام به حقایق جهان هستی و اتفاقات غیر قابل تغییر دنیا؛ دومین آنها به معنای احترام به حقیقت های علمی و اثبات شده بود؛ و بحث آخر هم به معنای حق طلبی و عدالت خواهی به کار رفت.

امیدواریم بتوانیم در مورد حقایق جهان فکر کنیم و به اتفاقات غیر قابل تغییر جهان احترام بگذاریم و همیشه در جستجوی علم و اثبات حقایق علمی باشیم.

و در آخر حق جو و حق گرا و عدالت طلب باشیم و هیچوقت کورکورانه با
حقایق جهان هستی، علم و عدالت جدال و ستیز و دشمنی نکنیم.

به امید احترام به حقیقت ، پیشرفت علم و گسترش عدالت

فصل دهم

اصول احترام؛ اصل دهم

یکی دیگر از اصول احترام؛ احترام به قانون است.

اگر افراد جامعه در ابتدا قانونی را قبول کردند باید به آن احترام بگذارند و آن را اجرا کنند؛ زیرا اجرای قانون باعث نظم در جامعه و دوری از هرج و مرج می شود و به تمام افراد جامعه کمک می کند؛ احترام به قوانین یک جامعه، احترام به تمام افراد جامعه است.

اگر قانونی را قبول کردید و آن را حاکم بر جامعه دانستید، باید آن را اجرا کنید و اگر جامعه بعد از مدتی از ناکارآمدی و اشتباه بودن آن قانون مطلع شد؛ باید با نظر اکثریت مردم آن قانون تغییر کند و قوانینی برای جایگزینی یا تکمیل آن وضع شود.

احترام به قانون باعث رشد و تعالی جامعه میشود و بی قانونی و بی احترامی به قانون باعث پسرفت و عقب ماندگی جامعه خواهد شد.

قوانین نیز باید واضح و به روز باشند و به مردم آن جامعه کمک کنند تا زندگی بهتری داشته باشند؛ مردم نیز با اجرای قوانین و متعهد بودن به آن، آن را محترم میشمارند.

اگر کسی سعی در پیچاندن قانون کرده و یا به خاطر مسائل شخصی و اهداف شخصی که قانون آن را منع کرده به دروغ قانون را ناکارآمد بخواند؛ نه تنها

به قوانین حاکم بر جامعه توهین کرده بلکه به همه ی کسانی که در جامعه آن قانون را اجرا و آن را قبول دارند نیز بی احترامی کرده است.

اما یک سوال: چرا احترام به قانون احترام به خود است؟

در پاسخ به این سوال باید گفت که قوانین جامعه اکثرا به سود مردم آن جامعه است و به همین دلیل اجرای آنها یک نوع احترام به خود است. به عنوان مثال؛ در قوانین راهنمایی و رانندگی بستن کمربند ایمنی الزامی است؛ این در حالی است که بستن کمربند ایمنی برای نجات جان انسان ها در وقوع تصادفات ناگوار است و برای جان خودمان هم که شده باید از قانون پیروی کنیم؛ پس اجرای قانون چون به سود ماست احترام به آن را احترام به خود تلقی می کنیم.

ممکن است عده ای به بهانه ی بد بودن قانون از اجرای آن سر باز زنند اما در این موارد باید به چند نکته مهم توجه کرد؛ نکته ی اول اینکه قانون را حکومت با کمک نمایندگان ملت و حقوق دانان وضع میکند و در واقع نمایندگان خود مردم هستند که در ایجاد این قوانین نقش دارند.

نکته ی دوم اینکه بعد از ایجاد قوانین با یک همه پرسی کلی مردم آن قوانین را تایید می کنند و باز هم نمایندگان مردم در تایید آن نقش دارند؛ مردم یا نباید قانونی را قبول و تایید کنند یا اگر قانونی را قبول کردند باید آن را اجرا کنند.

نکته ی سوم هم اینکه اگر قانونی را قبول کردند و بعد از ناقص بودن یا ناکارمندی آن مطلع شدند؛ با خبر کردن نمایندگان حقوقی خود سعی در تغییر

آن در سایه ی قانون های بالا دستی و صحیح کنند؛ و گرنه اجرا نکردن قانون به این بهانه که آن قانون ناکارآمد و ناقص و اشتباه است کاردرستی نیست و به جامعه آسیب می رساند.

احترام به قانون باعث ترقی و رشد آن جامعه می شود.

به امید داشتن جهانی منظم و قانون مدار که در سایه احترام به قانون تحقق می یابد.

در فصل آخر با شما خواهیم بود.

فصل یازدهم

اصول احترام؛ اصل یازدهم

احترام نیز مانند هر چیز دیگری حد و اندازه ای دارد؛ اگر در احترام زیاده روی شود، رنگ و بوی تملق و چاپلوسی به خود میگیرد و اگر در آن کم کاری شود از آن به عنوان کم محلی، کم توجهی و بی احترامی یاد می شود. همانطور که در هر مسئله ای باید اعتدال را رعایت کنیم؛ احترام نیز باید در حد متوسط آن رعایت شود.

امام جعفر صادق علیه السلام در حدیثی میفرماید: "هرچیزی برای خود حد و اندازه ای دارد."

و یا در آیه ی چهاردهم سوره ی مبارکه ی بقره خداوند متعال، مومنان را مخاطب قرار میدهد و میفرماید: "و اینگونه شما را امت میانه قرار دادیم" این حدیث و آیه ی شریفه از اهمیت بالای اعتدال در هر کاری خبر می دهد که احترام نیز از این قائده مستثنی نیست.

احترام گذاشتن باید در جای مناسب خود انجام شود؛ شما باید به کسی احترام بگذارید که به شما احترام می گذارد. اگر به شخصی احترام کردید و او شما را مورد تمسخر قرارداد و یا اینکه به شما ناسزا گفت؛ دیگر لازم نیست احترام او را مانند قبل رعایت کنید. اگر او رفتار بدی با شما دارد، شما را مسخره می کند، شخصیت شما را کوچک می شمارد و یا به شما ناسزا می گوید؛ شما نباید مانند گذشته با او با احترام برخورد کنید و احترام او را رعایت

کنید؛ زیرا در این صورت احمق پنداشته خواهید شد و باعث میشوید او به رفتار خود ادامه دهد ولی نباید فراموش کنید که شما در این موارد باید احترام شخصیت خود را بگیرید و از کنار رفتار های ناشایست طرف مقابل بگذرید؛ زیرا اگر شما هم به طور متقابل ناسزا بگویید یا مسخره کنید، به شخصیت و تربیت خانوادگی خود توهین و بی احترامی کرده اید و خود را از لحاظ شخصیت، تا سطح طرف مقابلتان پایین برده اید. نه مانند او توهین کنید و نه مانند قبل احترام او را رعایت کنید.

حتی المقدور با کسانی که حدود احترام در جامعه نسبت به شما و دیگر افراد را رعایت نمی کنند با لطافت و مهربانی برخورد کرده و سعی در راهنمایی و آگاه کردن آنان کنید و اگر جواب لطافت و مهربانی و راهنمایی شما را با رفتار های توهین آمیز دادند با آنها قطع ارتباط کنید؛ زیرا اینگونه افراد اگر در انزوا باشند و دیگران رفتار آنها را تایید نکنند، رفته رفته در مورد رفتار خود و معایب آن به فکر فرو میروند و اکثرا سعی در اصلاح رفتار زشت و زننده ی خود دارند.

به امید جهانی عاری از تملق و چاپلوسی و البته به امید جهانی پر از احترام
متقابل و متعادل